

[تقریب مختار ورود : اطلاق متعلّق یقین 1](#_Toc530172323)

[شبهه : ثبوت توارد در مقام 1](#_Toc530172324)

[پاسخ : عدم ورود برائت بر استصحاب در فرض حجیت 2](#_Toc530172325)

[تنظیر تقدّم استصحاب بر اصول نقلی به تقدّم امارات بر استصحاب 2](#_Toc530172326)

**موضوع**: رابطه استصحاب و اصول شرعی /تطبیقات تعارض غیر مستقر /تعارض ادله

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در تقریر کلام مرحوم آخوند در تقدیم استصحاب بر سایر اصول عملی شرعی بود ، بعد از آن که تمام محقّقان تقدیم استصحاب بر اصول عملی عقلی را به « ورود » دانستند . در مورد اصول نقلی کلام مرحوم شیخ و مرحوم آخوند متفاوت است ، مرحوم شیخ قائل به « حکومت » استصحاب بر اصول نقلی شده اند اما مرحوم آخوند متمایل به « ورود » ، همانگونه که تقدّم امارات بر استصحاب هم به ملاک « ورود » است ؛ و فرموده اند که تحقّق « ورود » ، مقتضای توفیق عرفی است .

# تقریب مختار[[1]](#footnote-1) برای ورود : اطلاق متعلّق یقین

ایشان تقدّم استصحاب بر برائت را به سبب « ورود » استصحاب بر دلیل برائت دانستند ؛ زیرا معتقدند هر چند که مفاد استصحاب حکم واقعی نیست ، اما استصحاب به کمک دلیل اعتبارش که قطعی است[[2]](#footnote-2)حقیقتا از موضوع حدیث رفع خارج است چون « ما لا یعلم » هم اختصاص به حکم واقعی ندارد بلکه أعمّ از حکم واقعی و ظاهری می باشد [[3]](#footnote-3). بنابراین از آن جهت که استصحاب باعث قطع به وظیفه ظاهری می شود ، مجالی برای شکل گیری موضوع دلیل برائت باقی نمی ماند .

###### شبهه : ثبوت توارد در مقام

اما چرا عکس این مطلب صادق نیست ؟ به عبارت دیگر چرا دلیل برائت متضمّن اعتبار تطبیق این اصل در مورد استصحاب نباشد ؟ تقدیم « رفع ما لا یعلمون » باعث حصول حجّت بر برائت می شود و در این حال عمل به برائت مشمول دلیل استصحاب نیست زیرا نه « نقض یقین به شک » بلکه « نقض یقین به یقین[[4]](#footnote-4)» می باشد .

###### پاسخ : عدم ورود برائت بر استصحاب در فرض حجیت

مرحوم آخوند پاسخ داده اند در موارد تمامیت ارکان استصحاب ، برائت حتی در فرض حجیت هم نمی تواند وارد بر آن باشد ؛ زیرا مفاد حدیث رفع این نیست که مکلّف در موارد عدم علم به حکم ، یقین به عدم حکم دارد تا این که عمل به آن مصداق « نقض یقین به شک » نباشد .

بلکه امر متعیّن در آن است که دلیل برائت مخصّص یا مقیّد[[5]](#footnote-5) دلیل استصحاب باشد[[6]](#footnote-6) و این تخصیص همانگونه که سابقا گذشت ممکن نمی باشد مگر بلا وجه یا به وجهی دوری . با توجه به این بیان حدیث رفع حتّی صالح برای مخصصّیت نیست و در نتیجه حجیت عموم دلیل استصحاب در موارد برائت ، قطعی است [[7]](#footnote-7)و خروج آن به « ورود » می باشد . پس امر دایر میان تخصیص و ورود است ؛ و چون تخصیص جز به وجهی دوری ممکن نیست ، امر متعیّن در ورود است .[[8]](#footnote-8) به عبارت دیگر مقام از صغریات قانون کلّی دوران میان تخصیص و ورود است که گفته شده « ورود » مقدّم است .

###### تنظیر تقدّم استصحاب بر اصول نقلی به تقدّم امارات بر استصحاب

این بیان مرحوم آخوند شبیه همان مطلبی است که در مورد امارات فرمودند .[[9]](#footnote-9) ایشان در آن مقام بیان کردند هر چند حکایت امارات از واقع ظنّی است اما حجیت آن ها قطعی می باشد ؛ در این حال اگر امارات مقدّم باشند ، تقدّمشان بر اصول به ملاک ورود است ؛ زیرا دلیل اعتبار اماره قاضی به عدم یقینی تنجّز واقع است و بعد از این حتی اگر استصحاب ثابت کند حرمت سابق واقعی وجود هم دارد ، قطعا منجّز نیست و معنای این امر عدم شکل گیری مجری برای استصحاب است [[10]](#footnote-10). اما اگر اصول مقدّم شوند تنها وجه آن منحصر در تخصیص دلیل اعتبار امارات است .[[11]](#footnote-11)

1. . وجهی که در جلسه سابق برای ورود بیان شد و قول به «ورود» یک دلیل نسبت به دلیل دیگر در ناحیه حکم لوحی ، صحیح نمی باشد . (بیان استاد دام ظلّه در کلاس راهنما) [↑](#footnote-ref-1)
2. . ولو قطعیت از جهت « حجیت » . [↑](#footnote-ref-2)
3. . این عمومیت ناشی از اطلاق « ما لا یعلمون » است ، نه این که « عدم العلم » کنایه از « عدم الحجۀ » باشد . ( بیان استاد دام ظلّه در کلاس راهنما ) [↑](#footnote-ref-3)
4. . متعلّق « یقین » در دلیل استصحاب هم به حکم اطلاق ، أعمّ از حکم واقعی و ظاهری است ؛ همانگونه که در دلیل برائت چنین بود . ( بیان استاد دام ظلّه در کلاس راهنما ) [↑](#footnote-ref-4)
5. . برائت به هیچ عنوان باعث یقین به حکم نمی شود ، بلکه نهایتا مفید یقین به عدم تنجّز حکم است . به عبارت دیگر کارکرد برائت اقامه حجت می باشد اما شک وجدانی که به حکم واقعی وجود دارد را بر طرف نمی کند و این یعنی ثبوت موضوع استصحاب ؛ پس برائت حتی اگر بر استصحاب مقدّم شود هم به ملاک « ورود » نیست . [↑](#footnote-ref-5)
6. . مثلا در حال شک نسبت به بقاء حرمت عصیر عنبی که به غلیان رسیده اما دو ثلث آن به سبب باد و گرما تبخیر شده ، استصحاب حکم به بقاء حرمت سابقه می کند که متیقّن است مگر این که مخصصّی برای دلیل استصحاب فرض شود . [↑](#footnote-ref-6)
7. . هر چند حکم واقعی معلوم بالقطع نیست . [↑](#footnote-ref-7)
8. . همین امر « توفیق عرفی » است ؛ یعنی « توفیق عرفی » می گوید در مقامی که از یک جانب ورود تصویر می شود و از جانب دیگر تخصیص دوری ، ورود مقدّم است . [↑](#footnote-ref-8)
9. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص430.](http://lib.eshia.ir/27004/1/430/) ؛ [درالفوائد فی الحاشیه علی الفرائد، آخوند خراسانی، ج1، ص390.](http://lib.eshia.ir/13097/1/390/) [↑](#footnote-ref-9)
10. . زیرا موضوع استصحاب آن است که : « شک در حکم واقعی داشته باشیم و یقین به عدم تنجّز آن واقع نداشته باشیم » . [↑](#footnote-ref-10)
11. . این مطابق مبنایی است که مفاد دلیل اعتبار ، « الأماره علم » نباشد ؛ و الا وجه تقدّم حکومت است . [↑](#footnote-ref-11)